

## فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
۱. بیان مسئله	۱۱
۲. ضرورت انجام تحقیق	۱۲
۳. سابقه‌ی تحقیقات و مطالعات	۱۳
۴. فرضیه‌ی تحقیق	۱۴
۵. روش انجام تحقیق	۱۴
۶. موانع و محدودیت‌های تحقیق	۱۴
۷. ساختار تحقیق	۱۵
<b>بخش اول: پدیده‌ی مجرمانه</b>	<b>۱۶</b>
فصل اول: کلیات و مفاهیم	۱۷
مبحث اول: سیاست جنایی	۱۷
گفتار اول: مفهوم سیاست جنایی	۱۷
الف: معنای لغوی	۱۷
ب: معنای اصطلاحی	۱۸
۱- مفهوم مضیق	۱۸
۲- مفهوم موسع	۱۸
گفتار دوم: انواع سیاست جنایی	۲۰
الف: سیاست جنایی تقنینی	۲۱
ب: سیاست جنایی قضایی	۲۱
ج: سیاست جنایی اجرایی	۲۲
د: سیاست جنایی مشارکتی	۲۳

۲۳	گفتار سوم: ارکان و عناصر سیاست جنایی
۲۴	الف: رفتارهای انحراف از هنجارها(پدیده مجرمانه)
۲۵	ب: پاسخ‌های هیأت اجتماع
۲۶	مبحث دوم: تاریخچه و روند تدوین قانون اصل ۴۴
۳۰	فصل دوم: جرایم
۳۰	مبحث اول: جرم‌انگاری
۳۰	الف: تعریف جرم‌انگاری
۳۱	ب: معیارهای جرم‌انگاری
۳۲	۱. معیار ضرورت
۳۲	۲. معیار عدالت
۳۳	۳. معیار ارزش‌ها- وسیله‌ها
۳۴	ج: مراحل جرم‌انگاری
۳۵	مبحث دوم: انواع جرایم
۳۶	گفتار اول: جرایم سنتی
۳۶	بند اول: جرایم کیفری
۳۶	الف: جرایم مرتبط با واگذاری
۳۶	۱. کتمان وقایع مالی یا انتشار گزارش‌های مالی غیر واقعی در فرآیند واگذاری
۳۸	۲. نقل و انتقال غیر مجاز اموال و دارایی‌های ثابت بنگاه مشمول واگذاری
۴۰	ب: جرایم در جریان رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی
۴۱	۱. گمراه کردن مقامات رقابت
۴۵	۲. شهادت یا اظهار نظر خلاف واقع
۴۶	۳. ممانعت از انجام تحقیقات و بازرسی
۴۷	۴. طرح شکایات واهی
۴۹	۵. افشاء، انتشار یا بهره‌گیری از اطلاعات
۵۰	۶. سوء استفاده از مقررات
۵۲	بند دوم: جرایم اداری (تخلفات اداری)

- الف: تخلف در صدور مجوز فعالیت‌های اقتصادی برای بخش‌های غیردولتی ..... ۵۲
- ب: تخلف از احکام ماده ۱۷ یا ارائه اطلاعات ناقص یا کتمان اطلاعات ..... ۵۳
- ج: نقض ضوابط ماده ۶۸ ..... ۵۵
- د: تخلفات قانون نظام صنفی ..... ۵۶
- گفتار دوم: جرایم نوین ..... ۵۷
- بند اول: توافق مغایر رقابت ..... ۵۹
- الف: تبانی ..... ۵۹
- ب: تمرکز ..... ۶۳
۱. ادغام ..... ۶۳
۲. کنترل چند شرکت یا بنگاه توسط یک شخص ..... ۶۵
- بند دوم: سوءاستفاده از موقعیت اقتصادی مسلط ..... ۶۶
- الف: تعیین، حفظ و یا تغییر قیمت یک کالا یا خدمت به صورتی غیرمتعارف ..... ۶۷
- ب: تحمیل شرایط قراردادی غیرمنصفانه ..... ۶۸
- ج: تحدید مقدار عرضه و یا تقاضا به منظور افزایش و یا کاهش قیمت بازار ..... ۶۸
- د: ایجاد مانع به منظور مشکل کردن ورود رقبای جدید یا حذف بنگاه‌ها ..... ۶۹
- ه: مشروط کردن قراردادها به تعهدات تکمیلی ..... ۶۹
- و: تملک سرمایه و سهام شرکت‌ها به صورتی که منجر به اخلال در رقابت شود ..... ۶۹
- بند سوم: سایر رویه‌های ضدرقابتی ..... ۷۰
- الف: اخلال در معاملات ..... ۷۱
۱. احتکار و استنکاف از معامله ..... ۷۱
۲. فروش یا خرید اجباری ..... ۷۲
۳. تبعیض در شرایط معامله ..... ۷۳
- ب: اخلال در قیمت‌گذاری ..... ۷۳
۱. قیمت‌گذاری تبعیض‌آمیز ..... ۷۴
۲. قیمت‌گذاری تهاجمی ..... ۷۵
۳. محدود کردن قیمت فروش مجدد ..... ۷۶
- ج: عرضه کالا یا خدمت غیراستاندارد ..... ۷۷

۷۷	د: اظهارات گمراه‌کننده .....
۷۸	ه: کسب غیر مجاز، سوءاستفاده از اطلاعات و موقعیت اشخاص .....
۸۰	و: مداخله در امور بنگاه‌های دیگر .....
۸۰	ز: ممنوعیت نقض حقوق رقابت در حوزه‌ی حقوق مالکیت فکری .....
<b>۸۳</b>	<b>بخش دوم: پاسخ‌ها .....</b>
۸۵	مبحث اول: پاسخ‌های کنشی .....
۸۵	۱. خصوصی سازی .....
۸۶	بند اول: شرایط خصوصی سازی .....
۸۶	۱. توانمندسازی بخش خصوصی .....
۸۸	۲. پیگیری هدف عدالت .....
۸۹	۳. مقابله با اثرات نامطلوب توزیع درآمدی .....
۸۹	۴. توجه به سرعت اجرای سیاست .....
۹۱	بند دوم: روشهای خصوصی سازی .....
۹۱	الف: خصوصی سازی همراه با واگذاری مالکیت .....
۹۱	۱. عرضه عمومی تمام یا قسمتی از سهام شرکت .....
۹۱	۲. فروش خصوصی سهام .....
۹۲	۳. مشارکت بخش خصوصی در شرکت دولتی .....
۹۲	۴. فروش دارایی‌های شرکت یا مؤسسه‌ی دولتی .....
۹۲	۵. تجزیه واحد بزرگ دولتی به چند شرکت کوچک‌تر .....
۹۲	۶. فروش شرکت به کارکنان و مدیران .....
۹۳	۷. توزیع سهام بین کارکنان دولتی .....
۹۳	۸. سیستم ووچر (توزیع مجانی یا ارزان قیمت سهام) .....
۹۳	ب: خصوصی سازی بدون واگذاری مالکیت .....
۹۳	۱. روش قرارداد مدیریتی .....
۹۳	۲. خصوصی سازی از طریق اجاره .....
۹۳	۳. قرارداد پیمانی .....
۹۶	۲. مقررات زدایی .....

۹۸	..... آزادسازی	۳
۱۰۰	..... برابری در مزایای خاص	۴
۱۰۲	..... رفع تعارض منافع	۵
۱۰۳	..... کدهای رفتاری	۶
۱۰۵	..... دسترسی به اطلاعات	۷
۱۰۷	..... آموزش و برنامه‌های تشویقی برای کارکنان	۸
۱۰۸	..... مهار فساد در فرآیند واگذاری	۹
۱۱۰	..... مشارکت جامعه‌ی مدنی	۱۰
۱۱۲	..... نهادسازی	۱۱
۱۱۲	..... الف: شورای عالی سیاست‌های کلی اصل ۴۴	۱۱۲
۱۱۳	..... ب: شورای رقابت	۱۱۳
۱۱۶	..... نهادهای وابسته به شورای رقابت	۱۱۶
۱۱۶	..... ۱- مرکز ملی رقابت	۱۱۶
۱۱۷	..... ۲- نهاد تنظیم‌کننده مقررات بخشی	۱۱۷
۱۱۹	..... ۳- هیأت تجدیدنظر	۱۱۹
۱۲۱	..... مبحث دوم: پاسخ‌های واکنشی	۱۲۱
۱۲۲	..... گفتار اول: قلمرو مسئولیت	۱۲۲
۱۲۳	..... الف: اشخاص حقوقی موضوع حقوق عمومی	۱۲۳
۱۲۴	..... ب: اشخاص حقوقی موضوع حقوق خصوصی	۱۲۴
۱۲۵	..... گفتار دوم: انواع پاسخ‌های واکنشی	۱۲۵
۱۲۵	..... بند اول: کیفری	۱۲۵
۱۲۵	..... الف: حبس	۱۲۵
۱۲۶	..... ب: جزای نقدی	۱۲۶
۱۳۰	..... بند دوم: غیرکیفری	۱۳۰
۱۳۰	..... الف: پاسخ اداری	۱۳۰
۱۳۲	..... ب: پاسخ مدنی	۱۳۲

۱۳۳.....	ج: پاسخ انتظامی.....
۱۳۴.....	د: پاسخ ترمیمی.....
۱۳۷.....	نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات.....
۱۴۴.....	کتابنامه.....

## مقدمه

### ۱. بیان مسئله

با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۵ و به منظور اجرایی نمودن این سیاست‌ها تدوین پیش‌نویس لایحه‌ی اجرای سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی در دستور کار دولت قرار گرفت، لایحه‌ی قانونی «اجرای نمودن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی به بخش‌های غیردولتی» که توسط دولت در شش فصل و ۲۹ ماده تقدیم مجلس شورای اسلامی شده بود، در کمیسیون ویژه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و با حضور نمایندگان دولت، بخش‌های غیردولتی، صاحب‌نظران اقتصادی و نیز مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در جلسات فشرده و متعددی بررسی گردید. همزمان مراحل تصویب «لایحه‌ی تسهیل رقابت و منع انحصار» در مجلس شورای اسلامی در حال طی شدن بود. تا این‌که هر دو لایحه در قالب یک متن و با عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، که از این پس در این پژوهش به خاطر سهولت از آن تحت عنوان «قانون اصل ۴۴» یاد خواهد شد.

با تصویب این قانون که به منزله‌ی نوعی انقلاب اقتصادی است شاهد بروز موضوعات و اموری هستیم که تاکنون سابقه‌ای در کشورمان نداشته است.

تحلیل و بررسی سیاست جنایی حاکم بر این قانون، موضوع اصلی این پژوهش می‌باشد. سیاست جنایی در مفهوم موسع آن شامل کلیه اقدام‌های سرکوبگرانه کیفری و غیرکیفری و پیشگیرانه با ماهیت‌های مختلف می‌شود که دولت و جامعه‌ی مدنی هر یک به صورت مستقل و یا با مشارکت سازمان‌یافته‌ی یکدیگر، از آن‌ها در قالب روش‌های مختلف به منظور سرکوبی بزهکاری و بزهکاران و نیز پیش‌گیری از بزهکاری و انحراف استفاده می‌کنند. بدین‌سان سیاست جنایی از یک سو با تجزیه و تحلیل و فهم یکی امر خاص در جامعه، یعنی پدیده‌ی مجرمانه و از سوی دیگر با عملی ساختن یک استراتژی به منظور پاسخ به وضعیت‌های بزهکاری و کژروی (انحراف) در ارتباط است به همین جهت جرایم (در معنای عام کلمه) و پاسخ‌ها، دو جزء لامتغیر هر نظام سیاست جنایی معرفی شده‌اند. با بررسی سیاست جنایی این قانون برآنیم که سؤالاتی از جمله موارد زیر را پاسخ دهیم:

آیا سیاست جنایی مندرج در این قانون با هدف اصلی این قانون یعنی خصوصی‌سازی منطبق است؟ آیا جرم‌انگاری‌های صورت گرفته متناسب می‌باشد یا خیر؟ تدابیر و پاسخ‌های پیش‌بینی شده و سازوکارهای اجرایی آن چه می‌باشند؟

هدف عمده از انجام این تحقیق در درجه اول شناسایی ویژگی‌های سیاست جنایی در خصوص این قانون به منظور معرفی ابهامات، خلأها و تعارض‌های احتمالی سیاست جنایی معرفی شده است و در مرحله بعد ارائه پیشنهادات و راهکارهای لازم در خصوص رفع مشکلات فراروی اجرای این قانون می‌باشد.

## **۲. ضرورت انجام تحقیق :**

موضوع مورد مطالعه مربوط به قانونی است که اخیراً به تصویب رسیده، و تاکنون مورد توجه محافل علمی قرار نگرفته است. همین امر و توجه به مفاهیم جدید و نوآوری‌های فراوانی که در این قانون شاهد آن هستیم ضرورت انجام چنین تحقیقی را روشن می‌گرداند. حقوق رقابت یکی از این مفاهیم است که پیش از این مورد توجه قانون‌گذاران قرار نگرفته است.

علاوه‌براین؛ ارتباط مستقیم این قانون با نظام اقتصادی ایران، اهمیت و نقش حساس سیاست جنایی مندرج در آن را آشکار می‌نمایاند، زیرا می‌دانیم اقتصاد ناسالم یکی از خطرناک‌ترین مسایل



اجتماعی است که پایه و اساس یک حکومت و به تبع آن طبقات مختلف اجتماع را متزلزل ساخته و با تأثیرگذاری بر بخش‌های گوناگون آن، افول پیشرفت در زمینه‌های مختلف را در بر خواهد داشت. به همین جهت تبیین استراتژی موجود در این قانون برای ایجاد فضای سالم و کنترل مفاسد اقتصادی از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد.

### ۳. سابقه تحقیقات و مطالعات انجام گرفته :

همان گونه که در مبحث قبل بیان گردید به دلیل این که موضوع مورد مطالعه مربوط به قانونی است که اخیراً به تصویب رسیده، در این زمینه تحقیقات و تألیفاتی وجود ندارد. با این وجود پایان‌نامه‌هایی در زمینه‌های مشابه به نگارش درآمده‌اند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. گفتمان سیاست جنایی قانون اصل ۴۴ در مورد تسهیل رقابت و منع انحصار دولتی، امید ابراهیمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۳۸۹. در این پایان‌نامه محور مطالعات صورت گرفته در خصوص تسهیل رقابت بوده و تنها سیاست جنایی این موضوع مورد توجه قرار گرفته است.
  ۲. جرم‌انگاری فعالیت‌های ضد رقابت در پرتو حقوق ایران و سیاست‌های سازمان تجارت جهانی، افروز گلستانی نجف‌آبادی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷. نگارنده در این پژوهش سعی در بررسی جرایم و جرم‌انگاری‌های موجود در زمینه حقوق رقابت در قوانین ایران و تطبیق آن با سیاست‌های سازمان تجارت جهانی داشته است.
  ۳. حقوق رقابت در حوزه مالکیت فکری، طوبی صادقی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴. این پایان‌نامه به بررسی ارتباط حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری و این که در تعارض بین این دو کدام مقدم می‌گردد پرداخته است.
  ۴. ضمانت اجرای جرایم اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
- این پایان‌نامه‌ها گرچه در زمینه‌های مرتبط تدوین گردیده‌اند، اما هیچ یک در خصوص سیاست جنایی قانون اصل ۴۴ نبوده و به همین جهت ضرورت انجام چنین پژوهشی آشکار می‌گردد.

#### **۴. فرضیه‌های تحقیق:**

- سیاست جنایی مندرج در این قانون شفاف و بدون هیچ نقصی است.
- سیاست جنایی مندرج در این قانون مبهم و متناقض می باشد.
- سیاست جنایی مندرج در این قانون حاوی ویژگی های انحصاری و متمایز است.

#### **۵. روش انجام تحقیق**

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای است. در این میان انواع منابع نوشتاری از جمله کتب، مجلات، روزنامه‌ها، پایگاه‌های اطلاع رسانی اینترنتی و ... مورد استفاده قرار گرفته است. در این پایان‌نامه با انتخاب دو روش توصیفی و تحلیلی در مقام تجزیه و تحلیل مباحث برآمدیم. به عبارت دیگر، نخست اطلاعات توصیفی مورد نیاز درباره موضوع مورد مطالعه را به دست آوردیم تا تصویری روشن از وضعیت موجود ارائه شود. سپس با تحلیل اطلاعات بدست آمده تلاش شد تا ابهامات و خلأهای موجود در این قانون استخراج گردد.

#### **۶. موانع و محدودیت‌های تحقیق**

موانع و مشکلات فراوانی در این مسیر پیش‌روی نگارنده قرار داشت که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- جدید بودن قانون موضوع تحقیق و در نتیجه فقدان پژوهش‌های پیشینی قابل استناد.
- اجرا نشدن قانون و در نتیجه عدم امکان بررسی و مطالعه‌ی رویه‌ی قضایی و سیاست جنایی اجرایی.
- بین رشته‌ای بودن موضوع این پژوهش و عدم آشنایی نگارنده با مفاهیم اقتصادی.
- اظهارات متفاوت و متناقضی که گاه در نتیجه‌ی جریان‌های سیاسی از این قانون به عمل آمده است.
- کمبود فرصت برای انجام مطالعه‌ی بیشتر .

- نبودن برخی از منابع مورد نیاز در شهر مشهد.

## ۷. ساختار تحقیق

در این پژوهش مطالب در قالب کلیات و دو بخش ارائه شده است. کلیات شامل دو فصل می‌باشد. در فصل اول سیاست جنایی و در فصل دوم تاریخچه‌ی قانون اصل ۴۴ آمده است. بخش اول در مورد پدیده‌ی مجرمانه و شامل چهار مبحث می‌باشد. مبحث اول جرم‌انگاری، مبحث دوم قلمروی مسئولیت، مبحث سوم جرایم سنتی و مبحث چهارم جرایم نوین مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش دوم انواع پاسخ‌های مندرج در این قانون بیان شده است. این مباحث طی دو فصل می‌باشد. در فصل اول پاسخ‌های کنشی و در فصل دوم پاسخ‌های واکنشی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در پایان نیز از کل مباحث مطروحه در حد بضاعت علمی نگارنده نتیجه‌گیری به عمل آمده است.

به هر حال این امر مسلم است که بر این تحقیق نواقصی مترتب است. اما آنچه ارائه گردیده در حد توان و بضاعت علمی نگارنده و با مساعدت و عنایت اساتید محترم چه در زمان تحصیل و چه پس از آن است، که راهنمایی‌های ایشان حرکت را در این مسیر برای اینجانب میسر نمود. به همین مناسبت از تمامی این عزیزان کمال تشکر و قدردانی را دارم. به خصوص از آقای دکتر حسینی استاد محترم راهنما و جناب آقای دکتر نجفی‌ابرنندآبادی استاد محترم مشاور که گرچه در دوران انجام پژوهش نتوانستم حضوراً از شخصیت علمی ایشان بهره برم اما کتب و تقریرات ایشان فی‌الواقع هم‌چون چراغی پیش روی این حقیر بود.

**بخش اول**  
**پدیده‌ی مجرمانه**

## فصل اول: کلیات و مفاهیم

### مبحث اول: سیاست جنایی

### گفتار اول: مفهوم سیاست جنایی

#### الف: معنای لغوی

"سیاست" (Politique) به طور مختصر و ساده، عبارت است از درک، تدبیر و اداره‌ی مسایل و امور. واژه "جنایی" (Criminelle) نیز با توجه به ریشه‌ی یونانی "Crimen" به معنای جدا کردن، تفکیک کردن، انتخاب کردن، و سپس به معنای تشخیص دادن، قضاوت کردن و در معرض قضاوت قرار دادن است. بدین صورت در بطن این واژه مفهوم ذاتی تفکیک نهفته است. بنابراین در اصطلاح سیاست جنایی اگر پدیده‌ی «جنایی» رفتار و کردار مبنی بر جدا شدن، دور شدن و فاصله گرفتن از هنجارها را مشخص کند، می‌توان گفت که «سیاست» جنایی هم شیوه‌ای را بیان می‌کند که هیأت اجتماع با استفاده از آن پاسخ‌های خود را به این رفتار فاصله‌گیر از هنجارها سازمان می‌دهد. (لازرژ، ۱۳۸۲: ۳۴)

بدین سان سیاست جنایی (Politique Criminelle) از یک سو با تجزیه و تحلیل و فهم یکی امر خاص در جامعه، یعنی پدیده‌ی مجرمانه و از سوی دیگر با عملی ساختن یک استراژی به منظور پاسخ به وضعیت‌های بزهکاری و کژروی (انحراف) در ارتباط است. (همان: ۳۹)

به موجب تعریفی دیگر: «سیاست جنایی یعنی اتخاذ اصول و تدابیر لازم در برابر جرایم و دفع آن‌ها یا کاستن آن‌ها». (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۲۲۱)

## **ب: معنای اصطلاحی**

اصطلاح سیاست جنایی برای اولین بار توسط آنسیلم فون فوئر باخ در کتاب حقوق کیفری او که در سال ۱۸۰۳ میلادی منتشر گردید به کار برده شد. این اصطلاح با دو مفهوم مضیق و موسع مواجهه بوده است.

### **۱- مفهوم مضیق**

این دیدگاه در بدو پیدایش مفهوم سیاست جنایی رایج بود و از آن به مفهوم سنتی و کهن سیاست جنایی نیز یاد می‌شود. در حقیقت پیشگامان این رشته ابتدائاً چنین نگاهی به مقوله سیاست جنایی داشتند.

در این مفهوم سیاست جنایی معادل سیاست کیفری می‌باشد؛ به این معنا که سیاست جنایی به عنوان مجموعه تدابیر و راهکارهای مقابله با جرم که در "دستگاه عدالت کیفری" تعبیه و به موقع اجرا گذارده می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرد و تمرکز معطوف به جرم‌انگاری و مجازات است. در این رویکرد جرم‌انگاری و برخورد کیفری توسط دولت با مجرمین، برجسته‌ترین شکل برخورد با جرم و مجرم می‌باشد. به همین علت نخستین کاربردهای سیاست جنایی در معنایی معادل حقوق کیفری یا سیستم کیفری که مبتنی بر جرم- مجازات و قانون می‌باشد بوده است.

### **۲- مفهوم موسع**

در مفهوم موسع سیاست جنایی سه رویکرد ذیل قابل ملاحظه است: نخستین رویکرد به مفهوم موسع سیاست جنایی با تکیه بر مفهوم سیاست اجتماعی توسط مارک آنسل بنیانگذار مکتب دفاع اجتماعی جدید به کار رفت. ایشان ضمن تبیین دو جنبه دانش و هنر و فن سیاست جنایی مشخصه سیاست جنایی مکتب دفاع اجتماعی را در فاصله‌گیری مستمر آن از نظام کیفری و نیز توجه آن به پیشگیری و حمایت جستجو می‌کند. به عبارت دیگر سیاست جنایی در این مفهوم قبل از هر چیز یک سیاست اجتماعی است و بدین سان این سیاست نه در معنای سیاسی کلمه، بلکه در کامل‌ترین معنا به اجتماعی کردن حقوق کیفری و حتی حقوق به طور کلی مربوط می‌شود. در این مفهوم سیاست جنایی در قلمروی وسیعی به نام سیاست اجتماعی قرار می‌گیرد که آن نیز به نوبه‌ی خود در محدوده‌ی بسیار وسیع‌تری به نام سیاست عمومی یک کشور و دولت واقع می‌شود.

در دومین رویکرد برخی اندیشمندان آن را از دیدگاه جرم‌شناسی مورد توجه قرار داده‌اند. در این زمینه ریموند گسن دیدگاه و رویکرد نخست به سیاست جنایی را به این نحو رد می‌کند: بر خلاف تعریف متداول که از کلمه سیاست در مفاهیم سیاست اقتصادی، سیاست اجتماعی و غیره به ذهن متبادر می‌شود مراد از سیاست جنایی به طور کلی در این بحث مجموعه راهنمایی و راه‌حل‌های مثبت مبارزه علیه جنایت است هر چه باشد، تأثیری که جرم‌شناس می‌تواند روی آن‌ها داشته باشد. بنابراین مطابق با این رویکرد به سیاست جنایی به عنوان سیاست داده‌ها و یافته‌های جرم‌شناسی نظر می‌شود. (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۰: ۱۴ و ۱۵)

در آخرین رویکرد، سیاست جنایی به عنوان یک رشته مطالعاتی مستقل و نیز به عنوان یک قلمرو سیاسی-حقوقی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. دلماس مارتی از اندیشمندان معاصر فرانسوی سیاست جنایی را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه شیوه‌هایی است که هیأت اجتماع با استفاده از آن‌ها پاسخ‌ها و واکنش‌ها علیه پدیده‌ی مجرمانه را سازمان می‌بخشد.» (لازرژ، ۱۳۸۲: ۱۵) به موجب این دیدگاه سیاست جنایی رشته مطالعاتی است مستقل نسبت به جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی جنایی و همین‌طور نسبت به حقوق جزا. تفاوتش با رشته‌هایی مثل جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی این است که سیاست جنایی ذاتاً حقوقی است و تفاوتش با حقوق جزا این است که رشته‌ایست چند مبنایی. پس می‌توان گفت که سیاست جنایی علاوه بر حقوق جزا، شامل حقوق اداری، حقوق مدنی، حقوق انضباطی و حتی حقوق بین‌الملل نیز می‌شود. تفاوت دیگر سیاست جنایی با حقوق جزا این است که مطالعاتش را در زمان انجام می‌دهد، یعنی مطالعه‌ای پویا و متحول. پس اصالت اصلی مطالعات سیاست جنایی، تأکید در تحولات سیستم مورد مطالعه است و نه بررسی و تحلیل آن در یک مقطع خاص. در سیاست جنایی، جنبشها و تحركات را مطالعه می‌کنیم نه ایستایی را، مثلاً: جنبش جرم‌نگاری، جنبش جرم‌زدایی و یا جنبش کیفرزدایی. (نجفی ابرندآبادی، از حقوق جزا تا سیاست جنایی، ۱۳۷۶: ۱۸۲)

سیاست جنایی در رویکرد موسع آن از محدوده جرم و مجازات فراتر می‌رود. در این دیدگاه سیاست جنایی علاوه بر جرم که یک مفهوم قانونی است، به انحراف و کژروی که یک مفهوم اجتماعی است نیز می‌پردازد. همچنین علاوه بر ابزارهای نظام کیفری، بر ابزارهای نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و ... و بر همه آنچه که در بهداشت و پیشگیری اجتماعی از بزهکاری مؤثر است نیز

تکیه می‌کند. علاوه بر این در کنار پاسخ‌های دولتی علیه جرم یا انحراف شامل پاسخ‌های منبعث از جامعه‌ی مدنی و نهادهای مختلف مردمی نیز می‌شود. بدین سان دولت در کنار جامعه‌ی مدنی به ساماندهی، پرداخت و اجرای سیاست جنایی می‌پردازد. بدین ترتیب می‌توان گفت سیاست جنایی عبارتست از کلیه تدابیر و اقدام‌های پیشگیرانه و سرکوبگرانه‌ای که توسط دولت و جامعه‌ی مدنی، جداگانه و یا با مشارکت یکدیگر، جهت پیشگیری از جرم، مبارزه با بزهکاری، اصلاح و یا سرکوب مجرم بکار برده می‌شود.

بدیهی است حقوق کیفری، همچون هسته‌ی اصلی یا محل قوی‌ترین فشار، در سیاست جنایی حضور بسیار محسوسی دارد، لیکن کاربست‌های کیفری در قلمرو سیاست جنایی، دیگر تنها نیستند، بلکه حول آنها، شیوه‌های دیگر کنترل اجتماعی از نوع غیر کیفری (مانند ضمانت اجرای اداری)، غیرسرکوبگر (مانند پیشگیری، جبران و ترمیم خسارت، میانجیگری) و گاه حتی غیردولتی (شیوه‌های سرکوبگر افراد شبه‌نظامی خصوصی، اقدام‌های اعتراضی از نوع اقدامات سازمان عفو بین‌الملل، یا اقدام‌های انضباطی که خود یادآور مفاد بعضی اساسنامه‌های مربوط به تشکل‌های حرفه‌ای و صنفی است) وجود دارد.

### **گفتار دوم: انواع سیاست جنایی**

با ملاحظه تعریف خانم دلماس مارتی از سیاست جنایی می‌توان گفت که سیاست جنایی توسط هیأت اجتماع یعنی دولت و جامعه به پدیده مجرمانه پاسخ می‌دهد. مسلماً شیوه‌های پاسخ‌دهی دولت به پدیده مجرمانه با روش‌های پاسخ‌دهی مرتبط با جامعه متفاوت است.

کلیه تدابیر و اقدامات یا واکنش‌هایی که دولت یعنی کل نظام سیاسی از طریق قوای مختلف خود برای پیشگیری از جرم و مبارزه با بزهکاری و نیز اصلاح بزهکاران اعمال می‌کند سیاست جنایی دولت یا رسمی نامیده می‌شود.

سیاست جنایی دولتی مجموعه‌ای از شیوه‌های پاسخ‌دهی تقنینی، قضایی و اجرایی است، که از آن‌ها به سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی و سیاست جنایی اجرایی تعبیر می‌شود.



در سیاست جنایی نوین رابطه سیاست جنایی دولتی با مشارکت عامه مردم یا گروه‌های اجتماعی نیز مطرح است. این سیاست جنایی که مستلزم مشارکت جامعه است، سیاست جنایی مشارکتی یا غیررسمی نامیده می‌شود.

### **الف: سیاست جنایی تقنینی**

سیاست جنایی تقنینی آن بخش از پاسخ‌ها و تدابیر سیاست جنایی دولتی است که از طریق قوه مقننه اعمال می‌شود. به عبارت دیگر همان تدبیر قانون‌گذار در مورد واکنش علیه جرم است که با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی هر کشور، این تدابیر با لحاظ حالت‌های گوناگون هر کشور ترسیم می‌گردد. (نجفی ابرندآبادی، تقریرات درس تاریخ تحولات کیفری، ۱۳۷۹: ۵۱۵)

قانون رکن اصلی سیاست جنایی تقنینی است و سیاست جنایی تقنینی راهکارهای لازم را برای سیاست جنایی اجرایی و قضایی ارائه می‌دهد. یافتن فن حقوقی مناسب برای رسیدن به هدف مورد نظر سیاست جنایی نیز علی‌الاصول به عهده‌ی قانون‌گذار است. (ژرژ لواسور، ۱۳۷۱: ۴۱۴)

خلق یک سیاست جنایی مستلزم داوری در اصلی‌ترین معنای کلمه است. هنر قانون‌گذار کیفری کیفری در ایفاء نقش خود به عنوان خالق و سازمان‌دهنده‌ی این سیاست دقیقاً این است که به کمک مواد و داده‌هایی از علوم جنایی و تاریخ نمایان‌گر آداب و رسوم و سیاست زمان خود باشد. (همان: ۴۲۲)

امروزه قانون‌گذاران در انشاء قوانین سعی می‌کنند که جهات علمی و فنی مبارزه با بزهکاری را مورد توجه قرار دهند. زیرا این مسئله روشن گردیده است که حقوق کیفری یک علم تحقیقی، و مبارزات مربوط به آن، روش و منطقی دارد. سیاست جنایی تقنینی باید آن‌چنان پیش‌بینی شود که حق و آزادی‌های فردی و اجتماعی را تضمین کند و نیز تدابیر قانونی کیفری باید در جهت تأمین منافع متهم و حفظ مصالح اجتماعی باشد. (آخوندی، ۱۳۷۳: ۵)

تدابیر و پاسخ‌های تقنینی سیاست جنایی نسبت به سایر پاسخ‌ها مقدم است، چرا که جهت‌گیری‌ها و خط‌مشی کلی سیاست جنایی را سیاست جنایی تقنینی تعیین می‌کند. به همین جهت سیاست جنایی تقنینی بیشتر به مفهوم مضیق سیاست جنایی که - پیش از این به آن اشاره شد - نزدیک

است. به بیان دیگر در برداشت محدود از سیاست جنایی، تمرکز بر مفهوم " جرم " و هدف اصلی مجازات و کیفر متهمان بود.

### **ب: سیاست جنایی قضایی**

تصمیمات و تدابیری که قاضی در موارد مختلف دعوی کیفری، با توجه به قوانین موجود، برای مبارزه با جرم و برخورد با مجرمین اتخاذ می‌کند، سیاست جنایی قضایی نام دارد. به عبارت دیگر سیاست جنایی تقنینی آنطور که قانونگذار خطوط کلی و ابزارهای آن را تعیین و تصویب می‌کند عیناً مورد پذیرش و اجرا در مراجع قضایی قرار می‌گیرد و با توجه به اختیاراتی که قانونگذار به قاضی داده است، کلیه مواد و وصفهای مجرمانه به طور متحدالشکل و یکسان در استنباط قضات وارد نمی‌شود. این استنباط قاضی از حکم با توجه به تنوع قضات در عمل انعکاس‌های متنوعی به خود می‌گیرد که از آن به سیاست جنایی قضایی تعبیر می‌شود. (لازرژ، ۱۳۸۲: ۲۰) این سیاست جنایی می‌تواند متأثر از رویه قضایی، بخش‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، آرای دیوان عالی کشور و موارد مشابه باشد. همین امر باعث نسبی بودن سیاست جنایی در زمان و مکان شده است. (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۹)

### **ج: سیاست جنایی اجرایی**

سیاست جنایی اجرایی عبارت است از تدابیر و اقداماتی که در جهت اجرای سیاست جنایی تقنینی و قضایی از طریق قوه مجریه اعمال می‌شود. با وجود استقلال قوای سه‌گانه، حکومت ناگزیر است برای اجرای قوانین داخلی از قوه مجریه بهره‌برداری. این به آن معنا است که قوه مجریه نیز از سیاست خاص خود برخوردار است، و بنابراین، سیاست جنایی اجرایی عبارت است از نحوه درک و اجرای قوانین و احکام قضایی در مورد کنترل جرم و واکنش‌های ضد آن. در خصوص اقدامات سیاست جنایی اجرایی می‌توان از نقش پلیس و قاضی اجرای مجازات‌ها نام برد. امروزه به همان اندازه که توجه به مرحله محاکمه یا تحقیق در فرآیند کیفری مهم است،

چگونگی مرحله اجرای محکومیت‌ها نیز برای مجرم و در واقع جامعه سرنوشت‌ساز است. (برناربولک، ۱۳۷۷: ۱۰)

### **د: سیاست جنایی مشارکتی**

مشارکت مردم در کنترل پدیده مجرمانه به دو صورت سازمان‌یافته یا خودجوش قابل تصور است. بدیهی است زمانی که از سیاست جنایی مشارکتی سخن به میان می‌آید بدون شک صورت سازمان‌یافته آن مدنظر است. اما باید توجه داشت که به اقتضای بافت جوامع و رژیم‌های سیاسی گاهی صورت‌های خودجوش سیاست جنایی مشارکتی نیز مشاهده می‌شود. اما، چنان که گفتیم، سیاست جنایی مشارکتی در این مبحث، شامل حضور سازمان‌یافته مردم در مراحل مختلف کنترل پدیده مجرمانه می‌شود. (نجفی‌ابرنادآبادی، تقریرات درس تاریخ تحولات کیفری، ۱۳۷۹: ۵۱۶)

همبستگی نهادهای مردمی و شهروندان با دولت در مورد ماهیت، رسالت و اهداف سیاست جنایی و مشارکت سازمان‌یافته آن‌ها در مراحل تدوین و اجرای آن، یعنی مشارکت در قانون‌گذاری و تعیین خط‌مشی‌های کلی در فرایند قضایی و غیرقضایی و در اجرای محکومیت و به ویژه مشارکت فعال در اتخاذ و اعمال اقدام‌های اجتماعی صرفاً پیشگیرانه از ارتکاب جرایم، بیانگر سیاست جنایی توأم با مشارکت مردمی است. (آفازاده، علیرضا، ۱۳۸۵: ۳۴)

### **گفتار سوم: ارکان و عناصر سیاست جنایی**

هر نظام سیاست جنایی مبتنی بر عناصر نامتغیری است. با توجه به این واقعیت که هر جامعه انسانی هنجارهای اجتماعی و گاهی حقوقی برای خود وضع می‌کند که در حقیقت بیانگر ارزش‌های انتخابی آن جامعه است، می‌توان دو سلسله پیامد از این امر مشاهده کرد.

از یک سو در هر جامعه رفتارهای فاصله‌گیر از هنجارها به وجود می‌آید که پدیده مجرمانه در معنای موسع، جزو آن‌ها قرار می‌گیرد. در حقیقت گرچه عموم مردم و اعضاء گروه به ارزش‌گذاری ملحق می‌شوند، لیکن اقلیتی همواره منافع خود را در دور شدن از هنجارهای اجتماعی و حقوقی

جامعه می‌بینند. این رفتارهای فاصله‌گیر ممکن است دو شکل داشته باشند: گاهی این رفتارها ستایش‌برانگیزند (مثل رفتار نوآوران و مخترعان بزرگ) و گاهی جنبه‌ی سرزنش‌آمیز دارد (مثل پدیده مجرمانه).

این رکن ثابت (رفتارهای فاصله‌گیر) رکن دیگری را می‌طلبد: در مقابل این رفتارها - البته رفتارهایی که سرزنش و تقبیح را بر می‌انگیزد- هر جامعه پاسخی را تدارک و سازمان‌دهی می‌کند. برمبنای این دو واقعیت قطعی، می‌توان عناصر نامتغیر را که در مرکز هر سیاست جنایی قرار دارند، شناسایی نمود. برای بهتر روشن شدن مطلب به بررسی هر یک از این دو رکن می‌پردازیم.

### **الف: رفتارهای انحراف از هنجارها (پدیده مجرمانه)**

این رفتارها را که بسیار متنوعند، با توجه به نوع هنجاری که از آن فاصله گرفته می‌شود به دو دسته تقسیم نموده‌اند. هنجار گاهی به مطلوب و ایده‌آلی که «باید باشد» و به نظام هنجارمندی مربوط است، و گاهی به حالت مطابق با اکثریت موارد، به «آنچه که هست» و به نظام بهنجاری ارجاع می‌یابد. حال اگر رفتاری فاصله گرفتن و دور شدن از هنجارمندی و نقض آن چه باید باشد را منعکس کند در مجموعه جرایم یا بزه‌ها قرار می‌گیرد، اما در مقابل رفتار فاصله‌گیر از بهنجاری و حالت عادی منطبق با اکثر موارد انحراف نام می‌گیرد.

بنابراین پدیده مجرمانه هر دو مفهوم بزه و انحراف را در بر می‌گیرد. انحراف فضای غیر کنترل‌شده توسط دولت است، در مقابل جرم که فضای کنترل شده است.

اما این دو مقوله بی ارتباط با یکدیگر نبوده بلکه تعامل‌هایی بین آنها وجود دارد. از یک سو قاعده‌مندی حقوقی بر مفاهیم بهنجاری اجتماعی تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر بهنجاری اجتماعی به تأثیرگذاری بر قاعده‌مندی حقوقی متمایل است، کیفرزدایی (depenalisation) و کیفررسانی (penalisation) نمونه‌ای از این امر می‌باشد. در مواردی هم فراسوی این رابطه متقابل، در برخی جوامع شاهد اختلاط و ادغام جرم و انحراف در مفهوم واحد هستیم. به بیان دیگر هر رفتار فاصله‌گیر از بهنجاری اجتماعی (انحراف) ممکن است جرم تلقی شود. در مقابل نیز تجاوز و نقض یک نرم واجب‌الرعیه، نشانه بی‌نظمی (انحراف) دانسته و با مجرم مانند بیمار رفتار می‌شود.